

## پیش بینی ذهن آگاهی بر اساس سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی

منصوره چنگیزی<sup>۱</sup>

ابوطالب سعادت‌ی شامیر<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی ذهن آگاهی بر اساس سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی انجام شد. جامعه پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان رشته روان شناسی دانشگاه علوم تحقیقات تهران بودند روش نمونه گیری پژوهش حاضر خوشه ای چند مرحله ی استفاده شد که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان نمونه ای به حجم ۳۴۰ نفر انتخاب شدند. در پژوهش حاضر جهت ارزیابی متغیر های وابسته پژوهش از پرسش نامه ذهن آگاهی بائر (۲۰۰۶) پرسشنامه سبک تصمیم گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵) و پرسش نامه استدلال اخلاقی استفاده شد. نتایج رگرسیون گام به گام به عنوان یافته های پژوهش نشان داد که سبک تصمیم گیری عقلانی ۲۰٪ از واریانس مشاهده شده در ذهن آگاهی را توجیه می شود و اضافه شدن متغیر های سبک تصمیم گیری شهودی، سبک تصمیم گیری وابستگی، سبک تصمیم گیری آنی، سبک تصمیم گیری اجتنابی و استدلال اخلاقی به ترتیب باعث افزوده شدن ۴، ۲، ۲، ۳ درصد به واریانس قبلی شدند. بدین ترتیب شش مدل وارد شده به تحلیل رگرسیون روی هم ۳۳٪ از واریانس ذهن آگاهی را تبیین کردند از این رو نتایج نشان داد که بین استدلال اخلاقی و سبک های تصمیم گیری با ذهن آگاهی رابطه وجود دارد. لذا ذهن آگاهی بر اساس استدلال اخلاقی و سبک های تصمیم گیری پیش بینی می شود.

### واژگان کلیدی: ذهن آگاهی بر اساس سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی

#### مقدمه

ذهن آگاهی مفهومی است که در سال های اخیر تحت تأثیر تفکر بودایی، توجه روان شناسان، روان درمانگران و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. ذهن آگاهی به عنوان آگاهی از آنچه که در لحظه کنونی اتفاق می افتد، تعریف می گردد (والش، بالینت، اسمولریا، فردریکسون و مادسن، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، ذهن آگاهی تعمقی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

[seadatee@srbiau.ac.ir](mailto:seadatee@srbiau.ac.ir)

۲. استادیار گروه روان شناسی تربیتی و شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران نویسنده مسئول

<sup>۱</sup>Mindfulness

<sup>۲</sup>Walch, Balian, Smolira, Frederickson, & Madsen

## دوفصلنامه جامعه شناسی آموزش و پرورش

غیر عمد بر روی وقایع حاضر و جاری بوده، به عنوان نوعی آگاهی پذیرانه و عاری از قضاوت از آنچه اکنون در حال وقوع است، تعریف می گردد (رایان و براون<sup>۵</sup>؛ ۲۰۰۳). اساس ذهن آگاهی از تمرین های مراقبه بودایی اقتباس شده است که ظرفیت توجه و آگاهی پیگیر و هوشمندانه را فراتر از تفکر افزایش می دهد. ذهن آگاهی یک روش یا فن نیست بلکه نوعی توجه بدون سوگیری و قضاوت پیرامون جنبه های خود است (فالکنستروم<sup>۶</sup>؛ ۲۰۱۰).

افراد ذهن آگاه واقعیات درونی و بیرونی را آزادانه و بدون تحریف ادراک می کنند و توانایی زیادی در مواجهه با دامنه گسترده ای از تفکرات، هیجان ها و تجربه ها دارند (رایان و براون<sup>۷</sup>؛ ۲۰۰۳). افراد ذهن آگاه، این نکته را که هیجان های منفی ممکن است به وقوع می پیوندند اما آن ها جزء ثابت و دائمی شخصیت نیستند را درک می کنند. افراد ذهن آگاه به رویدادها با تفکر و تأمل پاسخ می دهند (امانوئل، آبدیگرفت، کالمباش و سیسلا<sup>۸</sup>؛ ۲۰۱۰). سیگل<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش هایی به این نتیجه دست یافت که ذهن آگاهی برای طیف وسیعی از مشکلات موثر است و با متغیر های زیادی از جمله استدلال اخلاقی و سبک های تصمیم گیری رابطه مثبت دارد (فالکنستروم، ۲۰۱۰؛ ریان و براون، ۲۰۰۳؛ سیگل<sup>۱۰</sup>؛ ۲۰۱۰؛ والش و همکاران، ۲۰۱۰) به این معنی که این متغیر ها از جمله استدلال اخلاقی قادر به پیش بینی ذهن آگاهی می باشند.

استدلال اخلاقی<sup>۱۱</sup> به توانایی فرد برای قضاوت و تصمیم گیری صحیح و منطقی در برخورد با مسائل روزمره اشاره دارد که دربرگیرنده مراقبت از خود و دیگران است (برنارد و کامپورن<sup>۱۲</sup>؛ ۲۰۰۴). کلبرگ<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۶) به عنوان بنیان گذار نظریه رشد اخلاقی معتقد است رشد اخلاقی به طور اولیه مبتنی بر استدلال اخلاقی است و در مجموعه ای از مراحل شکل می گیرد. در نظریه های اولیه مربوط به رشد اخلاقی، رفتار اخلاقی همسان با مرحله ی استدلال اخلاقی در فرد استنباط می شود. به عبارت دیگر، استدلال الزاماً به رفتار اخلاقی نمی انجامد (سانتراک<sup>۱۴</sup>؛ ۲۰۱۴). پژوهش های متفاوتی در این زمینه انجام شد، نتایج پژوهش ها در این مورد متناقض بوده اند، بعضی از پژوهش ها به این نتیجه دست یافتند که رابطه ی استدلال اخلاقی با رفتار اخلاقی ضعیف است (رست<sup>۱۵</sup>؛ ۱۹۸۶؛ بروگمن و هارت<sup>۱۶</sup>؛ ۱۹۹۶).

برخی به این نتیجه دست یافتند که استدلال اخلاقی به رفتار اخلاقی در نهایت می انجامد (سانتراک، ۲۰۱۴). با این حال پژوهش های مختلف نشان داده اند استدلال اخلاقی بر روی متغیر های زیادی می تواند

---

<sup>۵</sup>Ryan & Brown

<sup>۶</sup>Frankenstorm

<sup>۷</sup>Rayan & brown

<sup>۸</sup>Emanuel, Updegraff, Klamath & Casella

<sup>۹</sup>Sigel

<sup>۱۰</sup>Siegel

<sup>۱۱</sup>Rational reasoning

<sup>۱۲</sup>Bernard & Comporen

<sup>۱۳</sup>Kolberg

<sup>۱۴</sup>Santrak

<sup>۱۵</sup>Rest

<sup>۱۶</sup>Borogman Heart

اثربخش باشد که یکی از مهمترین آنها سبک های تصمیم گیری است (فیلاماری، ۲۰۱۴<sup>۷</sup>، هولم، ۲۰۱۴<sup>۸</sup>). در ارتباط با سبک های تصمیم گیری<sup>۹</sup> من، رادفورد، بورت، فورد، بوند، لیونگ، نکمورا، وقان و یانگ، ۱۹۹۸<sup>۲</sup>) بر این عقیده هستند که تصمیم گیری یک فرایند ذهنی است که تمام افراد بشر در سراسر زندگی خود با آن سروکار دارند. فرآیند تصمیم گیری در پرتو فرهنگ، ادراکات، اعتقاد و ارزش ها، نگرش ها، شخصیت، دانش و بینش فرد صورت می گیرد و این عوامل بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند (تمام فعالیت ها و اقداماتی که در همه زمینه ها توسط افراد بشر انجام می شود، حاصل فرآیند تصمیم گیری است. تصمیم گیری فرآیندی است مرتبط با حل یک مساله و از این رو اغلب به تصمیم گیری، حل مساله نیز گفته می شود) (راتکلیف، فیلیاستیس و سجدا، ۲۰۰۹<sup>۱</sup>).

هر چند فرآیند ذهنی تصمیم گیری پیچیده است، ولی فرد مساله و مشکل مورد نظر را برای خود مشخص و نتایج دلخواه را نیز مجسم می نماید، آن گاه به یافتن راه هایی می اندیشد که طی آنها موجب تغییر وضعیت موجود در راستای حصول هدف ها و مقاصد مورد نظر می شود. به همین علت افراد با بهره گیری از اطلاعات ذهنی و در صورت امکان و وجود فرصت با گردآوری اطلاعات مرتبط از محیط و در پرتو فرهنگ، ادراکات، نگرش ها، شخصیت و بینش خود گزینه های مختلف برای رسیدن به نتیجه را مشخص می کنند و با در نظر گرفتن شانس، میزان احتمال مطلوبیت هر یک از گزینه های ممکن را در دستیابی به هدف، تخمین زده و با معیار های ذهنی از پیش تعیین شده مقایسه و ارزیابی می کنند. در انتها فرد با توجه به سیر پیشین، اقدام به اخذ تصمیم، یا به عبارتی اقدام به انتخاب گزینه یا گزینه های برتر می نماید (مولرت، سیفرت، لیچت، کیرچ، ارتل، کارچ و موسمن، ۲۰۰۸<sup>۲</sup>).

اسکات و بروس (۱۹۹۵) در پژوهشی پیرامون سبک های تصمیم گیری افراد و عوامل مؤثر بر آن، بر ویژگی های درونی و تفاوت های فردی افراد توجه بسیار کرده است و بر این اساس چهار سبک تصمیم گیری را تحت عنوان سبک های تصمیم گیری عمومی ارائه کرده اند. این چهار سبک عبارتند از: سبک تصمیم گیری عقلانی، سبک تصمیم گیری شهودی، سبک تصمیم گیری وابسته و سبک تصمیم گیری اجتنابی. سبک تصمیم گیری افراد بیانگر الگوی عادی است که آنان در هنگام تصمیم گیری استفاده می کنند. به عبارت دیگر، سبک تصمیم گیری هر فرد رویکرد شخصیت او در درک و واکنش به وظیفه ی تصمیم گیری خود است.

سبک تصمیم گیری عقلانی: این سبک بیانگر تصمیم گیرنده است به شناسایی تمامی راهکارهای ممکن، ارزیابی نتایج هر راهکار از تمامی جنبه های مختلف و در نهایت انتخاب راهکار بهینه و مطلوب توسط تصمیم گیرنده در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم گیری. سبک تصمیم گیری شهودی: فرآیندی ناخودآگاه است که در سایه ی تجربه های استنتاج شده به دست می آید (تانهولم، ۲۰۰۴). در این شیوه ی تصمیم گیری فرد تصمیم

<sup>۷</sup>Pillalamarri

<sup>۸</sup>Holm

<sup>۹</sup>Decision making styles

<sup>۱</sup>Mann, Radford, Burnett, Ford, Bond, Leung, & Yang

<sup>۲</sup>Ratcliff, Philiastides, & Sajda

<sup>۳</sup>Mulert, Seifert, Leicht, Kirsch, Ertl, M., Karch, Moosmann

<sup>۴</sup>Scott & Bruce

گیرنده منطق روشنی در رابطه با درست بودن تصمیم خود ندارد، بلکه با تکیه بر بینش و درونی است و خود آن چیزی را فکر می‌کنند درست انجام می‌دهند. سبک تصمیم‌گیری وابسته: این سبک بیانگر نبود استقلال فکری و عملی تصمیم‌گیرنده و تکیه بر حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگران در هنگام تصمیم‌گیری است. سبک تصمیم‌گیری اجتنابی: افرادی که از سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برخوردارند، در هنگام مواجهه با مسئله تا آنجا که امکان‌پذیری باشد، تصمیم‌گیری را به تعویق می‌اندازند و از هرگونه واکنش نسبت به مسئله طفره می‌روند. بنابراین این سبک تصمیم‌گیری اجتنابی را می‌توان تلاش و تمایل فرد تصمیم‌گیرنده به اجتناب از اتخاذ هرگونه تصمیم و تا حد امکان دوری از موقعیت‌های تصمیم‌گیری تعریف کرد (اسکات و بروس، ۱۹۹۵).

می‌کند و پیشنهادات و راهکارهای کاربردی و علی و نظری برای موسسات آموزشی پژوهشی و درمانی فراهم می‌کند. نیازی و حسینی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان رابطه بین ذهن آگاهی و تصمیم‌گیری که بر روی ۴۵ فوتبالیست اجرا شد. به این نتیجه دست یافتند که بین دقت تصمیم‌گیری با ذهن آگاهی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین سرعت تصمیم‌گیری و ذهن آگاهی نیز رابطه مثبت وجود دارد. صفاری نیا، محمدی و حسن زاده پشتگ (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان سبک‌های تصمیم‌گیری و ذهن آگاهی و ذهن خوانی به مطالعه ارتباط این سازه‌ها در یک گروه غیر بالینی که برای ۱۸۲ دانشجوی اجرا شد پرداختند. در این ارتباط پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که توانایی ذهن آگاهی و ذهن خوانی با سبک‌های تصمیم‌گیری منطقی و شهودی رابطه مثبت و با سبک تصمیم‌گیری وابسته رابطه منفی و معنی‌دار دارد. بهرامی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی مهارت‌های ذهن آگاهی با سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران دانشگاه صنعتی مالک اشتر که بر روی ۸۸ نفر اجرا شد، به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های تصمیم‌گیری از طریق خرده‌مقیاس‌های ذهن آگاهی، قابل پیش‌بینی است.

بلک، سوسمن، جانسون و میلان (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان ذهن آگاهی و کمک به تصمیم‌گیری با ملاحظه‌ی رفتارهای پرخطر که بر روی ۵۲۸۷ نوجوان اجرا شد. به این نتیجه دست یافتند که ذهن آگاهی رفتارهای پرخطر مانند سیگار کشیدن را کاهش می‌دهد که به طوری که افزایش ذهن آگاهی باعث کاهش رفتارهای پرخطر در افراد می‌گردد. همچنان که بیان شد پژوهش‌های مختلفی بر وجود ارتباط معنادار بین ذهن آگاهی، استدلال اخلاقی و سبک‌های تصمیم‌گیری تاکید دارند (شاپیرو، شونا، جزایری و گلدین، ۲۰۱۲؛ تراویس، آرناندر و دوبیوس، ۲۰۰۴) اما با توجه به این که پیشینه پژوهش حاضر بر روی جامعه‌های متفاوتی که با جامعه پژوهش حاضر فرق دارند انجام شده لذا با توجه به محدودیت پژوهش‌های پیشین در این حوزه، سوال پژوهش حاضر این است که آیا سبک‌های تصمیم‌گیری و استدلال اخلاقی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده میزان ذهن آگاهی دانشجویان رشته روان‌شناسی باشند؟

## روش

روش پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی است و از لحاظ هدف در زمره پژوهش های بنیادی بود و از لحاظ روش تحقیق حاضر از نوع پژوهش های کمی می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه دانشجویان رشته روان شناسی (کلیه گرایش ها) مقطع کارشناسی ارشد، ورودی نیمسال دوم ۹۵-۹۶ دانشگاه علوم تحقیقات تهران که تعداد آنها بر اساس استعلام از اداره آموزش دانشگاه، حدود ۳۰۰۰ نفر بوده اند. از این تعداد، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۴) نمونه ای به حجم ۳۴۰ نفر انتخاب شد که البته با توجه به احتمال ریزش شرکت کنندگان به دلایلی مانند عدم تمایل به شرکت در پژوهش و یا کامل نکردن همه پرسشنامه ها و یا کامل کردن بدون دقت، در اجرای اول حدود ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد. از این میان، ۳۴۰ پرسشنامه کامل و دقیق انتخاب شد. با توجه به این که نمونه های پژوهش حاضر به صورت گروههای خوشه ای در غالب گرایشهای مختلف روانشناسی مانند روان شناسی تربیتی، شخصیت، بالینی، عمومی و استثنایی در جامعه توزیع شده اند. لذا جهت برقراری فرصت برابر برای همه شرکت کنندگان از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ی استفاده شد.

جهت گردآوری اطلاعات ابتدا به دانشکده روان شناسی مراجعه شد و لیست کلاس ها از آموزش و مدیران گروه دریافت شد و با هماهنگی مدیران گروه از بین رشته های موجود (تربیتی، شخصیت، عمومی، بالینی، استثنایی و مشاور) ۲۴ کلاس یعنی از هر رشته ۴ کلاس انتخاب شدند که به صورت میانگین جمعیت هر کلاس ۲۰ نفر بودند که مجموعاً ۴۸۰ شرکت کننده به صورت خام حضور داشتند. بعد از هماهنگی با اساتید و کسب اجازه یک کلاس ۹۰ دقیقه ای در اختیار پژوهشگر قرار گرفت که حدود ۱۵ دقیقه از وقت کلاس جهت انجام هماهنگی و ارائه توضیحات لازم در ارتباط با پرسشنامه و نحوه تکمیل آنها انجام شد و از دانشجویانی که تمایل به شرکت در پژوهش نداشتند خواسته شد که کلاس را ترک کنند و افراد داوطلب همکاری که دارای شرایط ورود به پژوهش بودند پرسشنامه ها را کامل کردند. بر اساس ملاحظات اخلاقی در پژوهش های حرفه ای، از دانشجویان خواسته شد که پرسشنامه های مورد نظر را با دقت کامل کنند. پیش از اجرای پرسشنامه ها به دانشجویان گفته شد که نام و نام خانوادگی آن ها بیان نخواهد شد و همچنین اطلاعات به صورت فردی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی گیرد و آن ها مختار اند که در پژوهش شرکت کنند یا خیر. ترتیب ارائه پرسشنامه ها به نمونه ی پژوهش داوطلبانه و در یک نشست بود تا اثر خستگی روی پاسخ ها کنترل شود. معیار های ورود به پژوهش شامل ۱- شرکت داوطلبانه ۲- دانشجو بودن ۳- مونث بودن ۴- مقطع کارشناسی و ۵ رشته روان شناسی و معیار های خروج شامل ۱- سابقه ی بستری در مراکز روانپزشکی و یا مراجعه به روانپزشک به دلیل اختلالات روانی و خواهد بود. لازم به ذکر است که از بین کلیه شرکت کنندگان پژوهش ۶۰ نفر یعنی به طور میانگین از هر کلاس ۵ نفر داوطلب همکار با پژوهشگر نبودند و از بین افراد باقی مانده ۸۰ نفر پرسشنامه به دلیل نقص و کامل نبودن از جریان پژوهش حذف شدند و در نهایت ۳۴۰ پرسشنامه کامل و بی نقص وارد تحلیل شدند.

## ابزارها

در پژوهش حاضر جهت گردآوری اطلاعات از سه ابزار استفاده شده است که ویژگی های روانسنجی این ابزارها به شرح ذیل می باشد

پرسش نامه ذهن آگاهی که توسط بائر(۲۰۰۶) ساخته شده است و حاوی ۳۹ سوال است و ۵ خرده مقیاس ۱- مشاهده(سوالات ۱، ۶، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۶، ۳۱ و ۳۶)، ۲- توصیف(سوالات ۲، ۷، ۱۲، ۲۲، ۲۷، ۳۲ و ۳۷)، ۳- عمل از روی آگاهی(سوالات ۵، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۴ و ۳۸)، ۴- عدم قضاوت درباره تجربه درونی(سوالات ۳، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۵، ۳۰، ۳۵ و ۳۹) و ۵- عدم واکنش به تجربه درونی(سوالات ۴، ۹، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۹ و ۳۳) را می سنجد. آزمودنی ها در یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از خیلی بندرت درست است(هرگز)(نمره ۱)، بندرت درست است(نمره ۲)، گاهی اوقات درست است(نمره ۳)، اغلب درست است (نمره ۴) و همیشه درست است(نمره ۵) به سوالات پاسخ می دهند. از جمع نمرات ۵ بعد، نمره کل ذهن آگاهی، بدست می آید. بائر(۲۰۰۶) نشان می دهد که این مقیاس از همسانی درونی بالایی برخوردار است (دامنه آلفای ۰/۷۵ تا ۰/۹۰). باباپور خیرالدین و همکاران(۱۳۹۱) نیز ثبات درونی این پرسشنامه را ۰/۸۴ گزارش شده است. احمدوند، حیدری نسب و شعیری(۱۳۹۰) ضرایب همبستگی ضریب بازآزمایی این پرسشنامه را بین  $I=0/57$  و  $I=0/84$  بدست آورد. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۳ محاسبه کرد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه حاضر برای مشاهده، توصیف، عمل از روی آگاهی، عدم قضاوت درباره تجربه درونی و عدم واکنش به تجربه درونی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۹، ۰/۷۰، ۰/۷۰ و ۰/۷۴ محاسبه شد.

پرسشنامه سبک تصمیم گیری را اسکات و بروس(۱۹۹۵) برای سنجیدن سبک های تصمیم گیری افراد طراحی کرده اند. پرسشنامه ای ۲۵ سوالی که ۵ سبک تصمیم گیری عقلانی(سوالات ۴، ۷، ۱۱، ۱۳ و ۲۵)، شهودی(سوالات ۱، ۳، ۱۲، ۱۶ و ۱۷)، وابستگی (سوالات ۲، ۵، ۱۰، ۱۸ و ۲۲)، آنی (سوالات ۸، ۹، ۱۵، ۲۰ و ۲۴) اجتنابی(سوالات ۶، ۱۴، ۱۹، ۲۱ و ۲۳) را می سنجد. آزمودنی ها در یک مقیاس پنج درجه ای لیکرت(کاملاً مخالف=۱، تقریباً مخالف=۲، نه مخالف و نه موافق=۳، تقریباً موافق=۴، کاملاً موافق=۵) به هر سوال پاسخ می دهند. دامنه نمرات هر سبک بین ۵ تا ۲۵ می باشد. سبک تصمیم گیری غالب هر شخص بین پنج سبک تصمیم گیری عقلانی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی، سبکی است که در آن بالاترین نمره را نسبت به سبک های دیگر تصمیم گیری کسب کرده است. بروس و اسکات(۱۹۹۵) روایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کردند. آنها همچنین پایایی این پرسشنامه را برای سبک های تصمیم گیری عقلانی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۶، ۰/۹۴ و ۰/۸۷ گزارش کردند(حیدری و مرزوقی، ۱۳۹۱). اسپیسر و سادلر-اسمیت (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی که بر روی ۴۰۰ دانشجو در انگلستان انجام دادند، روایی این پرسشنامه را برای سبک های مختلف بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۷ محاسبه کردند(بوستانچی، ۱۳۹۴).

پرسش نامه استدلال اخلاقی که شامل ۳ داستان فرضی(معمای داروساز، دانش آموز و زندانی) است و به دنبال هر داستان، ۱۲ سوال چهارگزینه ای مطرح می شود که آزمون شونده بایستی آن ها را از کم اهمیت یا عدم اهمیت تا اهمیت زیاد، درجه بندی کند. در مره گذاری گزینه ها اصلاً تا بسیار زیاد به صورت ۱ تا ۵ است که هر یک مربوط به

یکی از مراحل استدلال اخلاقی کلبرگ (مرحله ی ۲ تا ۶) است و در مجموع، سطح استدلال با توجه به سطح اخلاق پیش قراردادی، قراردادی و فرا قراردادی مشخص می نماید. پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ در مطالعه ی رست و همکاران در طول یک دوره ی بیست ساله بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۰ در نوسان بوده است (رست و همکاران، ۲۰۰) و در مطالعه ی کودیم و همکاران (۲۰۱۲) ۰/۸۰ به دست آمده است و در پژوهش غیائی زاده (۱۳۹۱) که بررسی رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پرداخته است از طریق محاسبه همبستگی آزمون استدلال اخلاقی یا آزمون قضاوت اخلاقی کودکتن، روایی ۰/۶۸ به دست آمده است.

### یافته ها

جدول ۱- شاخص های توصیفی ذهن آگاهی، سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
مشاهده	۳۴۰	۲۷.۴۶	۲.۱۲	۱۱	۴۵
توصیف	۳۴۰	۲۶.۳۳	۲.۱۸	۹	۴۰
عمل از روی آگاهی	۳۴۰	۲۰.۹۵۷۹	۲.۰۹	۱۰	۴۱
<b>ذهن آگاهی</b>	۳۴۰	۱۲۶.۵۷	۰.۲۵	۵۶	۱۸۹
سبک تصمیم گیری عقلانی	۳۴۰	۱۲.۵۰	۰.۸۸	۵	۲۴
شهودی	۳۴۰	۱۱.۴۵	۰.۹۷	۶	۲۳
وابستگی	۳۴۰	۱۰.۴۸	۰.۸۹	۶	۲۵
آنی	۳۴۰	۱۲.۴۳	۰.۸۱	۵	۲۴
اجتنابی	۳۴۰	۱۱.۱۲	۰.۹۶	۵	۲۴
<b>استدلال اخلاقی</b>	۳۴۰	۱۰۴/۱۰	۷/۱۰	۳۸	۱۷۸

نتایج جدول ۱- شاخص های توصیفی تعداد، میانگین، انحراف معیار و کمترین و بیشترین نمره مربوط به ذهن آگاهی سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی و خرده متغیر های آنها را نشان می دهد بر این اساس میانگین و انحراف استاندارد ذهن آگاهی (۱۲۶,۵۷) و (۰,۲۵) و میانگین و انحراف استاندارد استدلال اخلاقی (۱۰۴/۱۰) و (۷/۱۰) بود همچنین در بین خرده مولفه های سبک های تصمیم گیری بالاترین میانگین و انحراف استاندارد مربوط به سبک تصمیم گیری عقلانی (۱۲,۵۰) و (۰,۸۸) و کمترین میانگین و انحراف استاندارد مربوط به وابستگی (۱۰,۴۸) و (۰,۸۹) بود.

جدول ۲. بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیر	تعداد	آماره K-S	مقدار احتمال
مشاهده	۳۴۰	۰/۶۹۵	۰/۸۶۶
توصیف	۳۴۰	۰/۶۹۲	۰/۷۵۳
عمل از روی آگاهی	۳۴۰	۰/۷۷۴	۰/۶۴۴
ذهن آگاهی	۳۴۰	۰/۶۰۸	۰/۸۹۴
سبک تصمیم گیری عقلانی	۳۴۰	۵۹۶	۸۸۰
شهودی	۳۴۰	۰/۴۴۲	۰/۷۵۳
وابستگی	۳۴۰	۰/۵۹۶	۰/۶۶۶
آنی	۳۴۰	۰/۴۴۲	۰/۷۶۴
اجتنابی	۳۴۰	۰/۶۲۴	۰/۷۸۴
استدلال اخلاقی	۳۴۰	۰/۶۳۸	۰/۶۵۴

همچنان که نتایج جدول ۲. جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش بر اساس آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نشان می دهد همه متغیرها و خرده متغیرهای پژوهش با توجه به مقدار Z نرمال می باشند

جدول ۳ همبستگی ذهن آگاهی، سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱	۱										
۲		۱									
۳			۱								
۴				۱							
۵					۱						
۶						۱					
۷							۱				
۸								۱			
۹									۱		



پیش بینی ذهن آگاهی بر اساس سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی

	۰/۳۶**	۰/۲۳**	۰/۲۸**	۰/۲۳**	۰/۳۱**	۰/۳۶**	۰/۳۳**	۰/۳۵**	۰/۳۳**	۱۰
۱	۰/۳۳**	۰/۳۶**	۰/۲۳**	۰/۲۸**	۰/۲۴**	۰/۱۶**	۰/۱۹**	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۱۱

توجه: شماره های موجود در جدول عبارتند از ۱- مشاهده ۲- توصیف ۳- عمل از روی آگاهی ۴- عدم قضاوت درباره تجربه درونی ۵- عدم واکنش به تجربه درونی ۶- سبک تصمیم گیری عقلانی ۷- شهودی ۸- وابستگی ۹- آنی ۱۰- اجتنابی ۱۱- استدلال اخلاقی

با توجه به جدول ۳ رابطه آماری معناداری بین خرده متغیر های ذهن آگاهی و سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی وجود داشت ( $P < 0.05$ ). از این رو با توجه به وجود رابطه معنادار بین متغیر ها و خرده متغیر های پژوهش می توان از رگرسیون استفاه نمود.

جدول (۴) نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام ذهن آگاهی بر اساس سبک های تصمیم گیری و استدلال اخلاقی

مدل	منابع تغییر	SS	df	MS	F	sig	R	$r^2$	۲R Adjusted
۱	رگرسیون	۷۶۵۴۳/۹۹	۱	۶۷۵۴۳/۹۹	۱۳/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۲۰	۰/۱۹
	باقیمانده	۲۸۰۹۱/۷۸	۳۶۶	۷۶۴/۲۶					
۲	رگرسیون	۷۶۲۹۹/۰۶	۲	۸۹۷۶۵/۶۸	۸/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۰/۲۴	۰/۲۳
	باقیمانده	۷۸۶۵۴/۷۷	۳۶۵	۷۶۵/۵۲					
۳	رگرسیون	۵۴۳۲۱/۲۳	۳	۳۲۱۴۶/۸	۹/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۰/۲۶	۰/۲۵
	باقیمانده	۹۸۷۶۵/۵۲	۳۶۴	۷۶۶/۱۸					
۴	رگرسیون	۳۴۲۱۵/۹۱	۴	۲۳۴۶۷/۶۱	۱۴/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۵۰	۰/۲۸	۰/۲۷
	باقیمانده	۵۶۴۳۲/۰۸	۳۶۳	۷۷۷/۳۸					
۵	رگرسیون	۶۵۴۳۲/۶۶	۵	۸۷۶۵۴/۹۴	۱۴/۰۹	۰/۰۰۱	۰/۵۲	۰/۳۰	۰/۲۹
	باقیمانده	۸۷۶۵۴/۰۱	۳۶۲	۷۷۸/۶۲					
	رگرسیون	۶۵۴۳۲/۶۶	۵	۸۷۶۵۴/۹۴	۱۴/۰۹	۰/۰۰۱	۰/۵۵		۰/۳۲

## متغیر ملاک : ذهن آگاهی

متغیرهای پیش بینی کننده : سبک تصمیم گیری عقلانی، سبک تصمیم گیری شهودی ، سبک تصمیم گیری وابستگی ، سبک تصمیم گیری آنی ، سبک تصمیم گیری اجتنابی و استدلال اخلاقی مدل ۱ (سبک تصمیم گیری عقلانی) مشخص می کند که ۲۰٪ از واریانس مشاهده شده در ذهن آگاهی از طریق عدم قضاوت درباره تجربه درونی توجیه می شود ( $R^2 = 0.20$ ). اضافه شدن مدل ۲ (سبک تصمیم گیری شهودی)، مدل ۳ (سبک تصمیم گیری وابستگی) و مدل ۴ (سبک تصمیم گیری آنی) مدل ۵ (سبک تصمیم گیری اجتنابی) و مدل ۶ (استدلال اخلاقی) به ترتیب باعث افزوده شدن ۴، ۲، ۲، ۳ درصد به واریانس قبلی اضافه می شود. بدین ترتیب شش مدل روی هم ۳۳٪ از واریانس ذهن آگاهی را تبیین می کنند ( $R^2 = 0.33$ ). با توجه به مقدار F و سطح معنی داری (P) که کوچکتر از ۰/۰۱ است فرضیه صفر رد شده و با اطمینان ۹۹٪ نتیجه می گیریم بین اخلاقی و سبک های تصمیم گیری با ذهن آگاهی رابطه وجود دارد. لذا ذهن آگاهی بر اساس استدلال اخلاقی و سبک های تصمیم گیری پیش بینی می شود.

جدول شماره (۵) : ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بینی کننده در تحلیل رگرسیون ذهن آگاهی

مدل	B	SE	Beta	t	P
مقدار ثابت	۶۷,۹۲۱	۵,۲۱		۱۳,۸	۰/۰۰۱
۱ سبک تصمیم گیری عقلانی	۱,۴۹	۰,۲۳	۰,۱۸	۴,۰۵	۰/۰۰۱
۲ شهودی	۳۵۱	۶,۴	۰,۲۶	۷,۰۳	۰/۰۰۲
۳ وابستگی	۳,۵۰	۰,۲۴	۰,۳۱	۷,۳۰	۰/۰۰۳
۴ آنی	۲,۱۵	۰,۴۴	۰,۳۲	۹,۲۱	۰/۰۰۱
۵ اجتنابی	۲,۸۰	۰,۸۷	۰,۳۵	۵,۸۹	۰/۰۴
۶ استدلال اخلاقی	۲,۴۵	۰,۵۶	۰,۳۰	۶,۶۶	۰/۰۰۴

## متغیر ملاک : ذهن آگاهی

سبک تصمیم گیری عقلانی، سبک تصمیم گیری شهودی ، سبک تصمیم گیری وابستگی ، سبک تصمیم گیری آنی ، سبک تصمیم گیری اجتنابی و استدلال اخلاقی

در جدول (۵) مقدار B، بتا، t و سطح معنی داری ارائه شده است. وزنهای بتا در ستون ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر یک از متغیرها در معادله رگرسیون بکار می رود. این ضرایب به ما می گوید که با تغییر یک واحد در متغیر پیش بین چند واحد تغییر در متغیر ملاک رخ می دهد. بر این اساس اگر سبک تصمیم گیری

عقلانی به اندازه یک واحد افزایش یابد، این تغییر به اندازه ۰,۳۲ متغیر ذهن آگاهی را افزایش می دهد. به علاوه افزایش یک واحد در سبک تصمیم گیری شهودی، سبک تصمیم گیری وابستگی، سبک تصمیم گیری آنی، سبک تصمیم گیری اجتنابی و استدلال اخلاقی به ترتیب به اندازه ۰/۱۸، ۰/۲۶، ۰/۳۱، ۰/۳۲ متغیر ذهن آگاهی را افزایش می دهند.

## بحث

در تبیین این یافته ها بر اساس دیدگاه بارتون (۲۰۱۸) می توان گفت که بالاترین میزان یک پارچگی اخلاقی، زمانی حاصل می شود که ادراکات و علایق اخلاقی فرد به بخشی از خودپنداره او، یعنی شیوه خاص نگاه فرد به خود و تعریف وی از خود تبدیل شود. وقتی این اتفاق رخ دهد، اخلاق نه تنها به جنبه ای از سازمان هشیار شخصیت تبدیل می شود، بلکه به انگیزه ها و هیجانات مضاعف نیز تجهیز می گردد. برای مثال، یک فرد علاقمند به امور اخلاقی، تلاش می کند تا راه حل های اخلاقی مناسب پیدا کند و تمایل دارد اعمالش از نظر اخلاقی صحیح باشند، نه تنها به این دلیل که او اهمیت عینی نوع دوستی و عدالت را درک می کند، بلکه به سبب اینکه او خود را به گونه خاصی ادراک می کند و می خواهد به ایده آل های خود ملتزم بماند. البته خودپنداره ها از سنی به سن دیگر و از شخصی به شخص دیگر، در میزان انسجام درونی یا در استحکام ساختاری، و همچنین در میزان اهمیت ذهنی آن برای فرد، متفاوتند.

نتایج این تحقیق همسو با یافته های (کلبی و دامون، ۲۰۰۶<sup>۲</sup> و دامون، ۲۰۰۰) نشان داد که احترام به شخصیت دانشجویان به عنوان یکی از روش های تربیت اخلاقی و ارزشی است که می تواند به ذهن آگاهی بالاتر و سبک های تصمیم گیری بهتر در دانشجویان منجر شود. مشاهده و تقلید بر اساس رویکرد بندورا (۱۹۷۸) دلیل دیگری برای تبیین رابطه اخلاق و سبک های تصمیم گیری است. برای این منظور است که اغلب یادگیری های افراد از راه مشاهده رفتارهای تقویت شده الگوها صورت می گیرد. علاوه بر این، فراهم کردن تجربه عملی به عنوان روشی دیگر مورد توجه است. درگیر کردن افراد با شرایط و موقعیت هایی که در آن امکان انجام اعمال خلاف مقررات اجتماعی وجود دارد، مورد نظر این روش است، و افراد با مقاومت در برابر وسوسه انجام آن یا برعکس اقدام به آن در مقابل نتایج کردار خود قرار می گیرند

دامون و هارت (۱۹۸۸) نیز همسو با تحقیق حاضر معتقدند که ذهن آگاهی تأثیر مثبت بر رشد اخلاقی، به ویژه رشد اخلاقی افراد دارای سبک تصمیم گیری دارد. در حالی که، افراد دارای سبک تصمیم گیری هیجان مدار بیشتر دارای استدلال اخلاقی سطح پایین هستند چون فرصت زیادی را برای فکر کردن صرف نمی کنند. این در حالی است که افراد دارای سبک های تصمیم گیری مسئله محور دارای جهت گیری های درونی هستند و استدلال های اخلاقی مناسب آنها منجر به کاهش اضطراب و افسردگی، افزایش سلامت روانی، عزت نفس، بردباری و می

<sup>۲</sup> Colby & Damon

## دوفصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

شود در حالی که، سبک تصمیم‌گیری هیجان‌مدار و اجتنابی با اضطراب و افسردگی ارتباط مثبت و با مسئولیت‌پذیری و حرمت خود ارتباط معکوس دارد

این نتایج تا حدودی همسو با یافته‌های یوسفیان و اصغری پور (۱۳۹۲) و ونستین و همکاران (۲۰۰۹) نیز می‌باشد. یوسفیان و اصغری پور (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که درمان گروهی شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی و درمان گروهی شناختی رفتاری در مقایسه با گروه شاهد، تاثیرات مطلوبی بر افزایش اخلاق داشته است. ونستین و همکاران (۲۰۰۹) طی مطالعه‌ای این نتیجه رسیدند که افراد با ذهن آگاهی بالا بیشتر به انتخاب سبک‌های اخلاقی بالاتر پرداخته، کمتر از سبک‌های تصمیم‌گیری اجتنابی استفاده کرده و سبک‌های تصمیم‌گیری مسئله‌مدار را گزارش می‌کردند.

در تبیین و نتیجه‌گیری این فرضیه می‌توان گفت به نظر می‌رسد ذهن آگاهی مهارتی است که به افراد اجازه می‌دهد، حوادث را کمتر از آن میزان که ناراحت‌کننده است، دریافت کنند. ذهن آگاهی با دعوت به لحظه کنونی؛ حضوری بیشتر و قضاوتی کمتر، در افراد ایجاد می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا بی‌توجه به مسائل و حالات هیجانی خوشایند یا ناخوشایندی که در گذشته داشته‌اند و یادآور آینده خواهند داشت به لحظه کنونی تمرکز کرده و در آن لحظه بهترین عملکرد را داشته باشند. برای بهبود یادگیری در افراد تمرکز بر مسائل درسی بدون توجه به مسائل دیگر زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع سبک‌های تصمیم‌گیری مناسب و سبک‌های اخلاقی سطح بالا تمرکز یافتن افراد بر مقوله‌های درسی به دور از وقایع درونی و بیرونی زمان حال، گذشته و آینده است.

ذهن آگاهی با توجه به هدف در لحظه جاری بدون استنتاج لحظه به لحظه ایجاد می‌شود و باعث می‌شود که افراد واقعیات درونی و بیرونی را آزادانه و بدون تحریف درک می‌کنند و توانایی زیادی در رویارویی با دامنه گسترده‌ای از تفکرات، هیجانات و تجربه‌ها اعم از خوشایند و ناخوشایند را پیدا کنند. ذهن آگاهی با آرامش ذهنی و سبک‌های تصمیم‌گیری و استدلال اخلاقی رابطه مثبت دارد. ذهن آگاهی مهارتی است که به افراد اجازه می‌دهد، حوادث را کمتر از آن میزان که ناراحت‌کننده است، دریافت کنند. ذهن آگاهی با دعوت به لحظه کنونی؛ حضوری بیشتر و قضاوتی کمتر، در افراد ایجاد می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا بی‌توجه به مسائل و حالات هیجانی خوشایند یا ناخوشایندی که در گذشته داشته‌اند و یادآور آینده خواهند داشت به لحظه کنونی تمرکز کرده و در آن لحظه بهترین عملکرد را داشته باشند. برای بهبود یادگیری در افراد تمرکز بر مسائل درسی بدون توجه به مسائل دیگر زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع ذهن آگاهی بالاتر تمرکز یافتن افراد بر مقوله‌های درسی به دور از وقایع درونی و بیرونی زمان حال، گذشته و آینده است (دامون، ۲۰۱۶).

## منابع

- احمدی، مصطفی. (۱۳۸۶). تصمیم گیری، رویکردها و تکنیک ها. *دوماهنامه توسط پایس*. شماره ۱۱. ۲۹-۹.
- بهرامی، فرزانه، معاضدیان، آمنه، و حسینی الممدنی، سید علی. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش مهارت حل مساله و تصمیم گیری بر کاهش نگرش مثبت وابستگان به مواد افیونی. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*. سال هفتم، شماره ۲۵.
- حسینی، فریده السادات، و خیر، محمد. (۱۳۸۸). پیش بینی تعلل ورزی رفتاری و تصمیم گیری با توجه به باورهای فراشناختی در دانشجویان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*. سال پانزدهم، شماره ۳، ۲۷۳-۲۶۵.
- زارع، حسین، و محمدی احمد آبادی، ناصر. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش فراشناخت در حل مساله ریاضی دانش آموزان. *فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت*، سال دوم، شماره ۳، ۱۷۶-۱۶۱.
- شعبانی، حسن. (۱۳۷۸). *تاثیر روش حل مساله به صورت کار گروهی بر تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- شعبانی، حسن، و مهرمحمدی، محمود. (۱۳۷۹). *پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش حل مساله محور، مجله دانشگاه تربیت مدرس*.
- عباس زادگان، محمد. (۱۳۸۱). *تصمیم گیری در مدیریت اجرایی*. تهران: نشر سهامی انتشار.
- عربان، شجاع. (۱۳۸۰). *بررسی مقایسه ای راهبردهای فراشناختی وضعیتی مرتبط با عملکرد تحصیلی دانش آموزان موفق و ناموفق دبیرستانی در درس ریاضی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- عزیز پور، سکینه. (۱۳۹۲). *بررسی راهبردهای به کار گیری مولفه های فراشناخت در مدارس شهر دماوند*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد رودهن.
- عماری، حسن. (۱۳۸۵). *بررسی تاثیر آموزش راهبردهای حل مساله در پیشرفت ریاضی و بهبود نگرش نسبت به درس ریاضیات در دانش آموزان سال دوم راهنمایی شهرستان طارم*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- کریمی، پروش. (۱۳۹۰). *نقش خودباوری و خلاقیت فلسفی بر مهارت تصمیم گیری مدیران دوران متوسط شهرستان خرم آباد در سال تحصیلی ۹۰-۸۹*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد رودهن.
- مهدویانی، عارفه؛ رجائی پور، سعید و عابدینی، یاسمین. (۱۳۹۲). *رابطه مولفه فراشناخت و قوف شناختی و سبک تصمیم گیری عقلایی در مدیران دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*. کنفرانس بین المللی مدیریت، چالشها و راهکارها.

الوانی، مهدی. (۱۳۸۶). *تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی*. تهران: انتشارات سمت.  
ولز، آدریان. (۲۰۰۹). *درمان فراشناخت اضطراب و افسردگی*. ترجمه شهرام محمدخانی (۱۳۹۰). تهران: انتشارات  
ورای دانش.  
یوسفی، فخرالسادات، و پوشنه، کامبیز، ویوسفی لویه، مجید. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای شناختی و  
فراشناختی در بهبود عملکرد حل مسأله دانش آموزان حساب نارسا. *تعلیم و تربیت استثنایی*، شماره ۲۰ و  
۲۱، ۳-۹.

Beelknap, R., A. (2000). One woman's life viewed through the interpretive lens of Gilligan's theory. *Violence against Women*, 6, 586-605.

Botes, A. (2000). A comparison between the ethics of justice and the ethics of care. *Journal of Advanced Nursing*, 32(5), 1071-1075.

Damon, W., & Hart, D. (1992). *Self-understanding and its role in social and moral development*. In M. H. Bornsheim & M. E. Lamb, *Developmental Psychology: an advanced textbook*. Hillsdale: NN.J.

Dervries, R., & Zan, B. (2000). Constructivist early education for moral development. *Development Review*, 20, 181-205.

Jennifer, A. & Livingstone, B. (1997). Metacognition: An overview. <http://www.gse.buffalo.edu/fus/shuell/ce56/metacog.html>.

Lamar, Y., L. (2002). Moral development: Reasoning, judgment, and action. <http://trochim.human.cornell.edu/gallery/lamar/lamar.htm>.

Lefton, L.m A. (2000). *Child development*. In *psychology*, (7<sup>th</sup>. Ed.) pp. 350-351, Allyn & Bacon publishing.

**Wolfinger, N., H., Rabow, J., & Newcomb, M., D. (1999).** The different voices of helping: Gender differences in recounting dilemmas. *Gender Issues*. 70-86.

Andrew, M., Parker, Baruch, Fischhof. (2005). Decision-making competence: external validation through an individual-differences approach. *Journal of Behavioral Decision Making*, 18, 1-27.

Delazer, M., Zamarian L. & Bonatti, E. (2010). Decision making under ambiguity and under risk in mesial temporal lobe epilepsy. *Neuropsychologia*, 48, 194-200.

Demetriou, A., Gustafsson, J.-E., Elides, A., & Platsidou, M., In A. Demetriou, M. Shayer, & A.Efklides. (Eds.). (1992). *Structural Systems in Developing Cognition, Science and Education*. Neopiagetian Theories. 88-95.

Flavell JH, Miller P. (1998). *Social cognition*. 5th ed. In: Doman W, Kuhn D, Siegler R, editors. *Hand book of child psychology: Cognition perception and language*. New York: John Wiley and Sons

- Heppner, P. P., & Petersen, C. H. (1982). The development and implications of a personal problem-solving inventory. *Journal of Counseling Psychology*, 29, 66-75.
- Ju-Ling, Shih, Bai-Jiun, Shih, Chun-Chao, Shih, Hui-Yu, Su, Chine-Wen, Chuang. (2010). The influence of collaboration styles to children's cognitive performance in digital problem-solving game "William Adventure": A comparative case study. *Computers & Education*, 55, 982-993.
- Ning zhong Yingxu Wang, Vincent Chew. (2008). On the cognitive process of human problem solving cognitive systems research, 11, 81-92.
- Paris, S., G., Gross, D. R., & Lipson, M.Y. (1984). Informed and comprehension. *Journal of Educational Psychology*, 76, 1239-1252.
- Ratcliff, R., Philiastides, M.G., & Sajda, P. (2009). Quality of evidence for perceptual decision-making is indexed by trial-to trial variability of the EEG. *Proceedings of the national academy of sciences of the united states of america*, 106, 6539-644.
- Robert, D. Tennyson, K.B. (2002). Improving problem solving and creativity through use of complex-dynamic simulations. *Computers in Human Behavior*, 18, 650-668.
- Schneider, W., Lockl, K., T.J., R.L. & Schwartz. (Eds.). (2002). *The development metacognitive knowledge in children and adolescence in applied metacognition*. Cambridge: Cambridge University Press, 224-257.
- Young R, K. Mi Sun, P. Tamara, J. Moore, S. (2013). Multiple levels of metacognition and their elicitation through complex problem-solving tasks. *Journal of Mathematical Behavior*, 32, 377-396.
- Wells, A. (2009). *Emotional disorders and metacognition: Innovative cognitive therapy*. Chi Chester, UK: Wiley.

## **Abstract**

The purpose of this study was to predict mental awareness based on decision making styles and ethical reasoning. The population of this study was all students of psychology affiliated to Tehran University of Science Sciences. The sampling method was multi-stage cluster sampling, which was selected using a sample of 340 people using Krejcy and Morgan tables. In this study, the Becker Mindfulness Questionnaire (2006) Scott and Bruce Decision Making Style Questionnaire (1995) and ethical reasoning questionnaire were used to evaluate the dependent variables of the research. The results of stepwise regression as the findings revealed that the rational decision making style justifies 20% of the observed variance in consciousness and adds the variables of intuitive decision making style, dependency decision making style, instant decision making style, avoidance decision style, and Moral reasoning increased the previous variance by 4, 2, 2, 2, 3 percent, respectively. Thus, the six models introduced into the regression analysis together explained 33% of the variance of mind-consciousness. Therefore, the results showed that there is a relationship between ethical reasoning and decision-making styles with mindfulness. Therefore, mind awareness is predicted based on ethical reasoning and decision-making styles.

**Key words:** Mindfulness based on decision-making styles and moral reasoning